

## در وصف پول - از مشیرالاطباء تبریزی

میرزا عبدالرحیم خان مشیرالاطباء فرزند آقا حسین تبریزی است پدرش مشغول تجارت چائی بود بعداً به تحصیل طب اشتغال ورزید از شاگردان حکیم <sup>سلیمی</sup> معروف ملقب بشمس الحکماء تبریزی بود در تبریز در کوی قاضی مطب و دواخانه داشت در اواخر در خانه خود از مرضی پذیرائی میکرد از سال فوتش اطلاعی در دست نیست مرد ادب و فاضل و سخن دان و صاحب ذوقی بود و گاهی شعر هم میگفت خط نستعلیق را خوب مینوشت دور ساله کوچک از تألیفات آن مرحوم چاپ شده گویا یکی در فلسفه ازدواج باشد بعداً در صورت امکان تحقیق نموده شرح حال آن مرحوم را با بعضی از اشعارش در این نشریه خواهیم نگاشت

از مرحوم میرزا عبدالرحیم خان مشیرالاطباء تبریزی در ستایش پول :

مرا نگار بریچهره ایست سیمین بر

که جان و دل ز فراقش همیشه در آذر

بهر وسیله که راهش کنم در دم

بهر فسون که بدامش کشم زمن بجزیره

یرنگ کاه چو صبح و گهی بلون شفق

گهی بجلوه چو خورشید که چو قرص مهر

ولی دریغ که این هرزه گرد هر جائی

همیشه در جولان است این در و آن در

گهی به پیش فلان تاجر است بی چادر

گهی به نزد فلان صیرفی است بنی معجزه

اگر بدست من افتد چنین بت وحشی  
 کشیده در بر و نگذارمش بجای دگر  
 سعادت همه عالم بوصل او مدغم  
 فلاکت دو جهان در فراق او مضمهر  
 بهر طرف که رود همدمش بود اقبال  
 بهر زمین که رسد عیش و شادی آرد بر  
 زفضل اوست همه عیش و عزت و دولت  
 زهجر اوست همه دل پرنج و فقر و کدر  
 کنون نه من همه عالم اسیر فرقت او  
 خدا بلا بدهد بر رقیب بد اختر  
 اگر سئوال ز نامش کنی له الاسماء  
 فرست يك صلواتی بسگویمت از بر  
 قران و اشرفی و لیره است امپریال  
 باتفاق معانی باختلاف صور